

آتش و ...

وتازیانه ای دیگر...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
 ولعنة الله على أعدائهم اجمعين
 اللهم العن أول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك
 السلام عليك يا ممتحنه امتحنك الله الذي خلقك قبل ان يخلقك
 فوجدك لما امتحنك صابره.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ
 الْعَالِمُ عِلْمَهُ، مَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. آنگاه که بدعت ها در امت من آشکار
 شد، بر عالم واجب است علم خود را آشکار نماید (با علم با بدعت مبارزه نماید)،
 کسی که چنین نکند، لعنت الله بر او باد.^۱

آل محمد صلوات الله عليهم اجمعين، برگزیدگان الهی که خداوند هر آنچه نیکویی
 و زیبایی است، در وجود ایشان قرار داد تا او را به کمال بشناسند و بپرستند و
 واسطه هایی باشند که بندگان را به راه هدایت رهنمون شوند؛

برگزیدگانی که همواره چشمان تنگ حسودان، برتری ایشان را برنتابیده و در پی
 خاموش نمودن نور خدا بوده اند اما این، خورشیدی است که روشنای شعاع نورش،
 چشمان کوردلان بی ایمان را تاریک و سیاه گرداند...

از دور، نه، از دنیایی دیگر، تنها توانسته ایم بگوییم آل محمد عليهم السلام
 برگزیدگان آفرینش هستند، با این وجود، کیست که عظمت و یگانگی آنان، نه،

۱ - الکافی: ج ۱ ص ۵۴ ح ۲. رک: وسائل الشیعة: ج ۱۶ ص ۲۷۱ ب ۴۰ ح ۲۱۵۴، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۲۳۴.

بلکه معنای یکی از صفات کمالیه ایشان را بفهمد؟ کیست که حقیقت فاطمه زهرا سلام الله علیها را دریابد؟!...

متأسفانه باز هم از سنگر سقیفه سخیفه ملعونه تیر دیگری به سمت خانه وحی و طهارت پرتاب شد و این بار مثل همان روز، نه فقط شخص حضرت زهرا سلام الله علیها بلکه شخصیتش و همه ظلم هایی که بر حضرت جاری شد نشانه رفت، با انکار آنها، با تحریف آنها و با توهین به حضرت زهرا سلام الله علیها، صدیقه طاهره ای که بنابر حدیث امام محمد باقر سلام الله علیه در تفسیر شریف فرات «امّ المؤمنین» است؛

همان بانوی گرامی که رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث متواتر لفظی و معنوی فرمود:

فاطمة بضعة مني - او - شجنة مني يؤذيني ما يؤذيها - همان فاطمه زهرا. آن شخصیت با عظمتی که امت شیعه از آغاز تا کنون متوجه بوده و هست که فاطمه زهرا همه چیز اوست؛ او که دست مبارکش، پیشانی نورانی و گلوی مقدّسش، مکرراً بوسه گاه اشرف الأنبياء بود؛

همان بانویی که قطب آیه کریمه تطهیر و مباحله است...

سخن از ظلمی دوباره که نه، هزاران هزار باره است... سخن از افسانه انگاشتن تاریخی واقع شده است که روسیاه می کند دشمنان دین را، دشمنانی که برای پنهان کردن باطن پلید خود، از هیچ تلاشی فروگذار نمی کنند... سخن از تاریخ سازی و قهرمان پنداری مشتی منافق راهزن است... سخن از تحریف است... سخن از تزویر است...

در خلال بحث اعتیاد و کارآمدی مسائل سیاسی در تخریف افکار و نیز به بهانه نقل داستانی دالّ بر اینکه سفارت انگلیس در ازای ذکر مصائب فاطمه زهرا سلام الله علیها پول پرداخت می کرده. داستانی که هیچ دلیلی بر صحت و سقم آن نیست. وقایعی که حتی در اسناد و مدارک معتبر نزد مخالفین شیعه، به وفور یافت می شود، همه دروغ انگاشته شد...

و سخن تا جایی بالا گرفت که اعتقادات مهمل مخالفین شیعه، بسیار قوی تر و محکم تر دانسته شد... اما آن کس که چنین سخن می راند، بیشتر از هم اتاق بودن با یکی دو تن از آنان، آیا اطلاعات دیگری نیز درباره اعتقادات و اعمال آنان دارد؟ اصلاً درباره مذهب حقّه شیعه اثنی عشریه چه می داند تا تفاوت آن را با سایر مکاتب غیرالهی بشناسد؟ آیا تمام این تفاوت در احکام ناخن گرفتن یا مسائل جزئی زندگی است؟

کسی که امیرالمؤمنین علیه السلام را صاحب دین می داند اما به این منظور که از نحوه عملکرد ایشان برای استفاده جهت دار خود بهره برداری کند، به یقین نمی اندیشد که همان امیرالمؤمنین علیه السلام است که رهبر عرصه جمل و صفین و نهروان است.

نادانی که از ندانستن مخاطبان خویش به غایت سوء استفاده می کند و هذیان را به جایی می رساند که نیم بیشتر پیشرفت دین را حاصل ثروت «خیالی» ابوبکرو درایت «نداشته» عایشه عنوان می کند... و از این خیال بافی خود، نمی تواند چشم بپوشد.

آزار مادی تنها مصداق «ظلم» نیست بلکه آزارهای معنوی، مواردی شبیه به تهمت یا زخم زبان، چه بسا تأثیری به مراتب سخت تر در برداشته باشد. حال اگر

«مظلوم»، یک شخص معمولی باشد، این آزار تنها به شخص او وارد می شود اما وقتی «مظلوم» شخصیتی ویژه و جایگاهی به خصوص دارد، همه چیز فرق می کند...

ظلم گاهی به شخص است گاهی به شخصیت است گاهی به شخص عادی است و شخصیت کسی که جایگاه و موضوعیتی در دین ندارد گاهی به شخصیتی است که اساس دین است، قطب دین است، آن هم صدیقه طاهره، آن شخصیتی که حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه الشریف می فرماید: «برای من در دختر رسول خدا اسوه ای حسنه است». الگوی امام زمان من و شمایی که ادعای شیعه بودن او را داریم... تخریب یا تحریف شخصیتی به یگانگی صدیقه طاهره سلام الله علیها، ظلمی نابخشودنی است.

کسی که به تعبیر قرآن کریم، شخصیت و مقام یک شخصیت را تحریف کند، گناه و جرم او و آثار سوء این فعل کثیف او شدیدتر و بزرگتر از قتل است^۱، این صریح قرآن کریم است و متأسفانه با خبر شدیم شخصی به نام صالحه نعمتی فرد که یکی از مدرسین دون پایه دانشکده تربیت بدنی دانشگاه آزاد مشهد است، در کلاس درس، توهین های مکرری به مولا امیرالمؤمنین سلام الله علیه، مکتب تشیع

۱ - سوره (۲) آیه ۱۹۲ «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ».

سوره (۲) آیه ۲۱۸ «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ».

و بالخصوص صدّیقه طاهره سلام الله علیها نموده و بسیاری حقایق مسلم تاریخی را تحریف کرده است.

کسی که یکی دو کتاب تاریخی از وقایع آن روزگارا، از کتب فریقین و نه حتی از کتب شیعه، دقیق مطالعه کرده باشد به حقایق تاریخی پی می‌برد و خواهد دانست که شخص ابوبکر، هیچ دخلی در پیشرفت اسلام نداشته بلکه مکرراً خود و دخترش ضربه های اساسی بر پیکره اسلام وارد نموده اند، او پولی نداشت که با پول او اسلام پیشرفت کند و به راستی ابوبکر در کدام جنگ رشادت به خرج داد؟ بلکه نه در بذل مال و نه در جنگاوری و جهاد، تاریخ هیچ سابقه ای جز ننگ و عار از اینان باقی نمی‌گذارد، دخترش نیز درایتی نداشت که در راستای پیشبرد اسلام از آن بهره‌برد؛

ضمن اینکه امر مسلم تاریخی است که عایشه، با کسی که بزرگان اصحاب و تابعین با او بیعت کردند یعنی مولا امیرالمؤمنین سلام الله علیه، جنگید و جنگی را علیه ایشان پایه ریزی و رهبری کرد که طی آن، ده ها هزار نفر را به کشتن داد. آیا این ها پیشرفت اسلام است؟

زهرای اطهر سلام الله علیها، شخصیت والایی چنان که نتوان گفت یا شنید یا فهمید، او که کمال را کمال بخشیده و مقام امّیت مؤمنان را زینت بخشیده است، به اوست که اهانت شده و بسیاری از ما حتی خبر نداریم... ساده گرفتن و ساده گذاشتن ما تنها موجب شد دشمن هرچه بیشتر پیش بیاید تا جایی که در جوار حریم مطهر رضوی علیه السلام به امّ الأئمّة علیهم السلام توهین شود و حقایق دروغ و مهمل پنداشته گردد... و بانوی یگانه دو سرا، بر اساس اندیشه مهمل و بی اساس یک «...» بر اثر سرطان کبد از دنیا می‌رود...

آری؛ بی صفتان بودا اندیش، وقتی راه حل و فصل الخطابی برای پاک کردن سیاهی از چهره تاریخ نمی یابند... جایی که قرآن کریم، بارها و بارها از وجود منافقان گرداگرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را خبر می دهد، با استبعادی سخره برانگیز، بی هیچ پشتوانه ای از علم یا تاریخ، دور می پندارند وقوع تاریخ ثبت شده با آن همه دلایل و قرائن را...

وقایع و حقایق نادانسته ماست که موجب می شود جایی که متن تاریخ سرتاسر گواه ظلم به خاندان عصمت است، سخن از صفات برگزیده افراد پست و حقیری رانده شود که خود اساس کثری ها بودند، و فتح ایران و مسلمان شدن ایرانیان مدال افتخارشان گردد... و حتی دوستدار پیامبر خدا تا سرحد مرگ شناسانده شوند... کسانی که رسول الله را در بستر شهادت رها نکردند تا جایی که او را متهم به هزیان گفتن نمودند... همانان از شدت حزن بر رسول، بر سر مزار ایشان جان می سپارند... چه تاریخ شگفتی... اگر شیعیان از ابتدا تا کنون نسبت به این همه حقیقت آگاه بودند دیگر کجا این همه اختلاف در میان بود!!!

یعنی آنچه بیان شده، حقیقت های ناگفته تاریخ است و شیعیان تنها به جهت علاقه و احساساتی که نسبت به اهل بیت علیهم السلام دارند، چنین ناله و نوحه سرمی دهند؟ یعنی علما و بزرگان شیعه از ابتدا تا کنون، همه ریزه خوار سفارت انگلیس بودند تا به نقل و شرح داستانهای ساختگی بپردازند؟!...

شبهه افکنی ها درباره خاندان عصمت و طهارت از دهه ۶۰ و ۷۰ علنی شد و قطب عالم امکان، قطب الأئمة صدیقه طاهره سلام الله علیها را نشانه گرفت. با بعضی بیانات و تشکیک ها و استغراق ها و استبعادها حقایق را درباره شخصیت و مقام معنوی و روحانی ایشان، زیر سؤال بردند.

شبهه‌هایی در پی مطرح شد، گاه با مقاله‌هایی در این روزنامه و آن روزنامه، گاهی سخنرانی‌های افرادی که اطلاعات علمی و تاریخی نداشتند و یا مغرض بودند و بعضاً مسئله را سیاسی کردند و به جهاتی سعی کردند عقاید مردم را متزلزل کنند و بحمدالله شیعیان عزیزبیدار بوده و هستند این شاءالله، و اهل بیت پیام داده اند و پیام‌های ایشان راهگشاست برای الآن و همیشه. به ما یاد دادند این طور بگوییم: «لعن الله أمة قتلتکم بالأیدی والألسن» قتل حضرت زهرا علیها السلام فقط در زمان خاص و طی آن ماجراها نبود، این خاندان همیشه مظلوم بوده، هست و خواهد بود، همیشه صف‌کشی. قاتلان و دشمنان خاندان عصمت بوده و هست و همیشه قتل حضرت زهرا علیها السلام تحقق پیدا می‌کند و اکنون هم...؛ همیشه حسین‌کش بوده و اکنون هم... حالا هم می‌کشند....

تکرار مکرر این هجوم برای کسانی که از بالا با بینش بدان می‌نگرند، سخره برانگیز اما برای ناآگاهان، موجب گمراهی یا حداقل سرگردانی است... قشر آسیب پذیر در برابر هجمه‌ها و ضربه‌های اعتقادی، همین افراد هستند....

چه بسیارند واقعیت‌هایی که گفته نشده و چه بسیار حقیقت‌هایی که پنهان داشته شده است... واقعیت‌هایی از ظلم‌ها، ظلم‌هایی که بر اهل بیت عصمت روان گشت و حقیقت‌هایی که از سیاه چهرگان تاریخ ناگفته و نانوشته و ناخوانده ماند...

و با این همه، طرح همین مختصری که به دست ما رسیده است، توطئه انگلیس و اسباب تفرقه تلقی می‌شود... آری تفرقه، تفرقه میان دل‌هایی که چه بسیار از هم دورند... به یقین مقصود از تفرقه در اینجا، محول‌بخندهایی است که حکم تکفیر و کشتار وحشیانه شیعیان را پشت خویش پنهان می‌کند...

اما آیا اگر فساد پیدا شود، مثل کار همین خانم که حقایق مسلم تاریخی را انکار کرد، آیا این حقایق حقیقتاً محو و باطل می‌شوند؟ گرچه در این ۱۴ قرن حکومت‌های ستم‌گرو مزدوران آنها به نام اهل علم، نهایت سعی خود را کردند و شیعه نیز همیشه در استضعاف بود، صنعت چاپ نیز دیر در اختیار قرار گرفت و بسیاری از حقائق به دست ما نرسید و کسی را که از حقایق می‌گفت و می‌نوشت، می‌کشتند، اما باز هم نمی‌شود انکار کرد، هرچند یک از هزار ولی تاریخ ثبت کرده است.

اولی و دومی و سومی علناً از نقل تاریخ و حدیث و ذکر فضائل اهل بیت عصمت و طهارت و احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم منع می‌کردند. نقل حدیث، نقل فقه و معارف اهل بیت را منع می‌کردند و این کار جرم بود اما، به رغم آنف آنها، بسیاری از این حقایق لابلای کتاب‌های فریقین پیدا می‌شود:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۱

می‌خواهند با توان ضعیف خودشان نور خدا را خاموش کنند، همیشه اراده کرده و می‌کنند اما اراده الهی بوده و هست و خواهد بود که غالب بر اراده دشمنان باشد، همیشه این چنین بوده هست و خواهد بود. خدا می‌خواهد که:

«فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ ...»^۲.

و «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً»^۳.

۱ - سوره (۹) التوبة آیه ۳۲ «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ يُأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

سوره (۶۱) الصّ آیه ۹ «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

۲ - سوره (۲۴) النور آیه ۳۷.

۳ - سوره (۳۳) الأحزاب آیه ۳۴.

و اراده خداوند تعالی فوق اراده هاست:

«يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ».^۱ همیشه چنین بوده و هست و خواهد بود که:

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ».^۲ بنای خداوند تعالی

براین است که این خاندان را بالا ببرد و بالا برده و همه توطئه ها را خنثی کند و خنثی کرده لکن دشمن دست بر نمی دارد.

بنابر صریح فرمایش قرآن کریم، قومی «محسود» هستند، محسود بوده و هستند

و خواهند بود، دشمنان نمی توانند ببینند، همین مجالس عزای فاطمه زهرا سلام الله

علیها و محسنیه را، همین عزاداری هایی که بسیار ضعیف برگزار می شود، همین ها را

هم نمی توانند ببینند، حسد آنان نمی گذارد، طینت سجّینی آنان نمی گذارد، شیطان

نمی گذارد؛

اما من و شما چه وظیفه ای داریم؟ هرچند تنها الله تبارک و تعالی است که

جایگاه تعریف و توصیف آل الله را دارد ولی ما که عنوان «پیروان یا دوستداران

خاندان عصمت» را بر خویش نهاده ایم، با وجود دانستن شرح ماجرا و ماجراها، ما

در کدامین جایگاه خویش را وانهاده ایم؟ شاید خود را به ندانستن زده و بی تفاوت

گذر کنیم؟ شاید هم چنان دانا و نیرومند نباشیم که بخواهیم واکنشی نشان دهیم؟

شاید هم اصلاً از کسانی باشیم که چندان سست اعتقاد هستند که با شنیدن

صدای فشنک مشقی، خود را می بازند و عقیده شان را رها می کنند؟...

اهل بیت علیهم السلام شیعه را چنین توصیف کردند: «الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ فَطِنٌ

۱ - سوره (۴۸) الفتح آیه ۱۱.

۲ - سوره (۵۸) المجادلة آیه ۱۲.

حَذِرُ^۱ ما هم اگرزیرک و هشیار باشیم، نمی‌گوییم خانم فلان، آقای فلان، چنین نوشت، چنان گفت و همه مسأله اینجاست، نه خیر، منشأی دارد، منشأ کجاست؟ چرا باید این حقایق انکار شود؟ چرا باید تاریخ تحریف شود؟ و نعوذ بالله با کمال بی‌شرمی گفته شود: «حضرت زهرای زار و نزار با چهار فرزند قد و نیم قد که به احتمال قوی سرطان کبد داشته و از دنیا رفته».

در کتاب‌های مخالفین و دشمنان حضرت زهرا، همان که الآن موجود است، چه خطی و چاپی، چاپ ایران و چاپ قاهره مصر و چاپ لبنان، قدیم و جدید، مواردی مانند «الملل والنحل» شهرستانی و «الإمامة والسیاسة» ابن قتیبہ دینوری و بسیاری کتاب‌های دیگر که این مدارک را گرد آورده از جمله کتاب «إحراق بیت فاطمة»، «الهُجُومُ عَلَى بَيْتِ فَاطِمَةَ» و چند «مقتل الزَّهراء علیها السَّلام» همه از زبان دشمنان و مخالفان، حاکی از ظلم‌هایی است که بر ایشان رفته است، اسناد و مدارک آن‌ها موجود است و قابل انکار نیست، لکن دشمن دست بر نمی‌دارد، منشأ این بیانات کجاست؟

آیا حقیقتاً همه حرف، حرف این شخص یا آن نوشته آن دیگری است؟ نه این چنین نیست بلکه همه اینها قطعاتی از یک پازل هستند. اینان خواه بدانند یا ندانند، عملاً مزدور هستند لکن منشأ کجاست؟ این جریان به رهبری کیست؟ هدف چیست؟ قرآن کریم آدرس منشأ را داده است: سوره (۵) المائدة آیه ۸۳:

«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا».

«ل» تأکید با نون ثقیله «لتجدن»، هر آینه «أشدَّ الناس» شدیدترین مردم را از

۱- شرح فارسی شهاب الأخبار: ص ۴۶ ب ۱ و جامع الأخبار: ص ۸۵ ف ۴۱ و الدعوات راوندی: ص ۳۹ ف ۲ ح ۹۴ و مجموعه ورام: ج ۲ ص ۲۹۷ قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم.

جهت عداوت و دشمنی بر مؤمنین، یهود و کسانی می‌یابی که شرک ورزیدند، و امروز این حقیقت ثابت است، کتاب‌هایی مثل «بریطانیا و آل سعود»، «آل سعود من این و الی این»، مدارک را جمع‌آوری کرده‌اند دالّ بر اینکه این خاندان کثیف، ریشه از یهود دارند، یهودی زاده هستند و همه کارهای آنها براساس خواست و رضای یهود است. الان یهود بر تمام برنامه‌های آنها مسلط است چه بر نیروهای نظامی و ارتش، چه بر اهل فتوای آنان، آن هم یهود صهیونیست.

این فتنه‌ها دنبال کدام غایت است؟ همه دست به دست هم داده‌اند که به کجا برسند؟ این می‌گویند، آن می‌گویند، این می‌نویسد، آن می‌نویسد. وقتی تعداد زیاد شد، عقیده شیعیان پای بند به اهل بیت متزلزل می‌شود و اعتقاد که سست شد، هرکاری می‌شود کرد. بر روح و جسم و اقتصاد و منابع همه کشورهای اسلامی کاملاً سلطه پیدا می‌کنند. همان که در پروتکل‌های صهیونیست‌ها هست که هر کسی-غیر از یهود صهیونیست، برده ما است و خدا همه را عبد و غلام ما آفریده است.

با همین شگرد، بابیت درست کردند، بهائیت درست کردند، قادیانیه درست کردند، و... و... و... تا رسیدیم به اینجا، اما باز دست بر نمی‌دارند؛

پس باید دشمن را بشناسیم، در جایی که آتش گرفته، یک آتش‌نشان، به سراغ جاهایی که سوخته نمی‌رود بلکه کانون آتش را هدف قرار می‌دهد، فرصت کم است و آتش پیش می‌رود، پس با این کار، هم وقت کمتری هزینه می‌کند، منابع در اختیار هم محدود است، پس با این کار در صرف منابع صرفه جویی می‌کند. باید کانون را پیدا کرد و این که چرا اینها خاصه صدّیقه طاهره فاطمة الزّهراء سلام الله علیها را هدف گرفته‌اند؟ علت افشاگری‌هایی است که حضرت زهرا کرد و

اکنون هم ادامه دارد با اخبار پیش و پس از شهادتش و نیز قبر مخفی اش و...؛ پس معلوم می شود که باید بر شخصیت حضرت زهرا سلام الله علیها، کارها و اهداف آن حضرت بیشتر تمرکز کنیم و بدانیم گنج گرانهای بی پایانی داریم که دشمن را آشفته کرده است.

اما چرا دشمن تا این حد گستاخ شده است؟ چرا این مطلب باید در دانشکده ای که مربوط به تربیت بدنی است مطرح شود و نه الهیات؟ آن هم در حضور یک سری دانشجو، دانشجویان تربیت بدنی که اغلب اطلاعات ضعیفی نسبت به الهیات و تاریخ دارند؟ و این مطلب قیاس شود با مواد مخدر که این احساسات بسیار شیعیان نسبت به حضرت زهرا مثل مواد مخدر است، این همه گستاخی به چه جهت است؟

خوب یکی از دانشجوها این صدا را ضبط کرده و این طرف و آن طرف داده تا بدانند در دانشگاه ها چه خبر است، اما این ها نتیجه چیست؟ ای شیعه زیرک باهوش این بر اثر چیست؟ خوب که فکر کنیم به این نتیجه می رسیم که

اولاً: جهت تقصیر است مطالعه نکردن و نداشتن اطلاعات صحیح، چرا وقتی شبهه مطرح می شود و به هر نحوی وارد جامعه می شود، طول می کشد تا شبهه را جمع کنیم؟ چون دست اندر کاران و داعیان دین کوتاهی کردند و در جوامع علمی و آموزشی کوتاهی شد، با اطلاعات عمومی بسیار ضعیف، گاهی چند سال طول می کشد تا بشود یک شبهه را جمع کرد.

دوم: «غلو» که بزرگترین ظلم به اهل بیت است و هیچ پایه علمی و معرفتی ندارد.

سوم: نان به نرخ روز خوردن و سیاسی کاری ها، این حقیقت را نگویید مبادا

چنین بشود، آن حقیقت را نگوید مبادا کسی ناراحت شود، حقایق تاریخی را که نمی‌شود تحریف کرد، بالاخره یک عده می‌روند تحقیق می‌کنند و امروز با این همه وسایل ارتباط جمعی، کامپیوتر و اینترنت و... نمی‌شود همه چیز را از همه مخفی کرد، یا تا چه زمانی می‌توان مخفی کرد؟

تقصیر و غلو و نان به نرخ روز خوردن و سیاسی کاری کردن. دین، دین ناب پاک و معارف حقّه، این‌ها به دست عموم مردم نرسید، و نرساندیم و الاّ عده‌ای که نهایت سعی‌شان را کرده‌اند، همه تقصیر دارند، هرکس به نحوی.

کار به جایی رسیده که بی‌شرمانه داستانی را نقل می‌کند که معلوم نیست حقیقت دارد یا ندارد و تصریح می‌کند که یک روضه خوانی یک وقتی سراغ یک مطبی در تهران می‌رفته بعد صاحب مطب می‌گوید این یک مدت نیامد بعد از مدتی پیدایش شد از او می‌پرسد: کجا بودی؟ گفته: خدا خیر بدهد به این انگلیسی‌ها این کنسولی انگلیس این‌ها هر روز به من پول می‌دهند من روضه حضرت زهرا بخوانم این‌ها همشون بهتر از ما حضرت زهرا را می‌شناسند و قبول دارند.

ایشان تصریح می‌کند که روضه خواندن برای حضرت زهرا کار انگلیس است. کار انگلیس است؟ یکی از بزرگان عامه به نام قاضی عبد الجبار معتزلی متوفای ۴۱۵ هجری قمری در سال ۴۰۹ کتابی به نام «تثبیت النبوة» را تمام می‌کند سه جلدی در دو مجلد چاپ قاهره است، او می‌گوید: در زمان ما، بزرگان شیعه، این‌ها هستند و بزرگان شیعه را نام می‌برد، بین این‌ها اسم شیخ مفید اعلی الله مقامه را می‌آورد و می‌گوید: این‌ها بزرگان شیعه هستند. این‌ها در شهرهای مصر و رمله و صور و عکا و عسقلان دمشق و بغداد و جبل بسماق، مجلس عزای حضرت زهرا و

حضرت محسن علیهما السلام می گیرند؛

ای آنهایی که مجلس عزای حضرت محسن را به استهزاء گرفتند و گفتند یعنی چه که دهه درست می کنید، دهه محسنیه؟ بیش از هزار سال پیش بزرگان شیعه این کار را می کردند. می گوید: شاعران به آنجا می آیند و شعر می سرایند و می خوانند و خطبا می آیند و خطبه می خوانند و نوحه می کنند. آن جنایت عظیمی که بر حضرت زهرا واقع شد را نام می برد و می گوید: اینها می گویند او (دومی) این کار را بر حضرت زهرا سلام الله علیها کرد.

قاضی عبدالجبار معتزلی همانی است که عده ای از علمای مخالفین اهل بیت مجلس مناظره ای ترتیب می دهند و می گویند اینکه ملاتراز همه ماست، این شخص با شیخ مفید بحث کند و در این مناظره شیخ مفید غالب می شود و از آن مجلس بود که به ایشان لقب «شیخ مفید» را دادند. اوست که در کتابش چنین می آورد و از بعضی جنایات آنها پرده برمی دارد. این امر مسلمی بین فقها و بزرگان شیعه بوده است، بیش از ۱۰۰۰ سال پیش مجلس می گرفته اند. حال این حقایق دروغ اند؟ این ها هم کار انگلیس بوده؟ آن روز انگلیس به شیخ مفید و بزرگان و علمای شیعه پول می داده که مجلس بگیرند و شعرا و ذاکرین و خطبا را بیاورند که برای حضرت زهرا و مصیبت حضرت زهرا و شهادت حضرت محسن علیهما السلام مجلس بگیرند؟

به دروغ می گوید زهرای اطهر بیمار بود، هیچ کجا در تاریخ ذکر نشده که تا زمان شهادت رسول الله، صدیقه طاهره بیمار بوده اند بلکه مدارکی گویای آن است که ایشان سالم بوده و هیچ بیماری ای نداشته اند اما بعد از چند هجومی که به بیت ایشان شد، خاصه هجوم آخر و پس از آن جنایت های بزرگی که برایشان واقع شد،

صدّیقه طاهره سلام الله علیها بیمار و ملازم بستر می شود.

و مایه تأسف است امروز که انسان خود را بشر متمدنی می داند و همه علوم را تخصصی نموده و همه حرفه ها تخصصی است، خود را ملزم می داند که در هر کاری اگر متخصص هستی حرف بزن، متخصص نیستی حق نداری حرف بزنی دخالت کنی جرم به حساب می آید، برای همه کارها این چنین است الاّ مسأله دین؛ هر کس و ناکسی، هر ذی صلاح و غیر ذی صلاحی، هر مطلع و جاهلی، خود را صاحب نظر می داند و به خودش حق می دهد که اظهار نظر کند، حقایق را تحریف کند، انکار کند، با حقایق بازی کند.

در یک دانشکده آن هم نه دانشگاه سطح بالا، نه دانشکده الهیات یا تاریخ یا فرق و ادیان، بلکه دانشکده تربیت بدنی، یک اظهار نظری می کنند که از جهل یا عناد مطلق است، آن هم برای چه کسانی؟ برای یک عده دانشجو که اطلاعاتی ندارند یا آگاهی آنها بسیار ضعیف است و نمی توانند جواب بدهند، یک نفر هم که اعتراض می کند با کمال بی شرمی اجازه نمی دهد و توهین می کند، صدایی هم بلند نمی شود. اگر حقیقتاً اهل علم هست و طالب بحث علمی، باید اجازه بدهد که اشکال مطرح شود و جواب بدهد، این خوی سلطه و تحکمی که در دانشگاه حاکم است آن هم با چنین وصفی، به هیچ وجه قابل قبول نیست. ایشان ادعا می کنند: «صاحب دین امیرالمؤمنین است امیرالمؤمنین ۲۵ سال سکوت کرد توهّم ساکت شو توهّم حرف نزن» این چه منطقی است؟ آیا چنین چیزی می شود؟ هیچ کجا چنین چیزی را نمی پذیرند.

تنها مکتبی که برای تمام باورهای خویش، استدلال و برهان ارائه می کند، مکتب تشیع است اما وقتی چهره این تفکر الهی، آن هم به دلیل نادانی و خیال بافی

و پافشاری بر جهل و گمراهی، در پاسخ به «چراها» چهره ای متحجّر جلوه داده شود. البته تنها به قصد گریز از بحث و فرار از ناگزیز. باید بیدار و هشیار باشند غفلت زدگانی که خود را به خواب زده اند: خط قرمز تمام شیعیان، حیطة دین است، دینی که سرمایه اش، معرفت و محبّت زهرا سلام الله علیها است...

حتی اگر کاری به حق و باطل هم نداشته باشیم باز هم نمی توانیم چشم ببندیم زیرا مسائل مورد بحثی که ایشان مطرح کرده، تمام از اصول مسلم تاریخی است که ایشان جسورانه انکار می کند؛

پول نفت پول نفتی که عده ای وحشی. بلکه وحشی. ترین مخلوقاتی که خدا تا کنون خلق کرده یعنی آل نحس معروف به آل سعود یعنی وهابی ها یعنی در حقیقت یهود صهیونیست به نام وهابیت و اسلام و خادم الحرمین پول نفت را هزینه چاپ و نشر کتاب های تحریف شده می کنند و اینها به این و آن می رسد، خوراک فکری می دهند و مزدوران شان درباره دشمنان اهل بیت نبوّت غلوم می کنند، جحد حقایق می کنند، به هر نحوی شبّهات را القا می کنند، بعد هم که اعتراض های خیلی ضعیفی انجام می گیرد، عذرخواهی می کنند مثل ایشان که گفته شیعیان نسبت به حضرت زهرا خیلی احساساتی هستند و از اینکه عواطف را جریحه دار کردم و ناراحت کردم عذر می خواهم، نمی گوید این مطالبی که گفته ام شبّه بوده باطل بوده باید رفع بشود نخی فقط عذرخواهی می کند که احساسات بعضی. جریحه دار شده است... حالا اگر کسی. چنین توهینی به خلیفه اول و دوم و سوم می کرد، چه می شد؟ چه برخوردهایی صورت می گرفت؟

جایی که ندانستن معنای «دوران جاهلیت» موجب یاوه سرایی می شود، اگر پیروان سایرادیان نیز به هوش باشند، در می یابند که به آنان بلکه به تمام مکاتب توحیدی توهین شد... کجاست گوش شنوا و چشم بینایی که ببیند و بشنود...

وظیفه ما چیست؟ وظیفه شیعیان چیست؟ وظیفه اول نسبت به خودمان «بیداری» است، و کسانی بیدارند که معرفت صحیح داشته باشند، اسلام را تحقیق پذیرفته باشند و نه تقلیدی، نه محلی، نه خانوادگی و ارثی بلکه تحقیق، و اینکه به دیگران ابلاغ رسالت کنیم، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم امر به تبلیغ امر ولایت کردند، اینکه مطلب را به دیگران برسانید. این وظیفه را داریم، هرکس ادعا می کند من شیعه اهل بیتم موظف است از حیث علم و معرفت و عمل قوی باشد نزد کسی که زحمت کشیده از منبع ناب قرآن و عترت بهره بگیرد، خود و اطرفیان خود را به سلاح علم و معرفت تحقیق مسلح کند،

اما نسبت به سگ های وحشی و گرگ های وحشی. و روبه صفتان خبیثی که هراز چند گاه شبهه می اندازند و به حقایق معارف اهل بیت لطمه می زنند نه تنها باید در جبهه دفاعی باشیم و از هروسیله ای که می توانیم استفاده کنیم و شبهه ها را جواب بدهیم بلکه موظف هستیم در جبهه جهادی باشیم. چرا باید دشمن جرأت کند چنین اصول مسلم تاریخی و معارفی را مورد هجوم قرار دهد؟ و شیعه فقط به دست و پا بیافتد که جواب دهد؟

گرچه ۱۴۰۰ سال پیش قرآن و عترت جواب همه این اراجیف را بیان کرده اند، جواب همه اینها موجود است، ولی شیعه باید پرسشگر باشد اما نه با تشنج، نه با نزاع و دعوا زیرا دشمن از این برخوردها و جدل ها سوء استفاده می کند بلکه جدل باید «جدل احسن» باشد، حتی نه «جدل حسن»، بلکه «جدل احسن» بحث

علمی و درست و با برهان؛

هرچند بنابر صریح فرمایش معصوم که فرمود: «ناصبی از سگ پست تراست» و فرمود: «خدا مخلوقی پست تر و نجس تر و پلیدتر از سگ نیافریده و ناصبی و دشمن اهل بیت از او پست تراست».^۱ لکن ما وظیفه داریم از عقاید خویش و نیزایمان برادران و خواهران ایمانی خود صیانت کنیم.

وظیفه مسؤولین کشور چیست؟ آقایانی که مسؤولیت اداره این مملکت را به نام اسلام و اهل بیت و تشیع به دوش گرفته اند نباید به این طور افراد مجال می دادند و نباید مجال داشته باشند، تقصیرهایی انجام گرفته است، اگر در همه رسانه ها حقایق مکتب اهل بیت گفته می شد، امروز به چنین وضعیتی دچار نمی شدیم، همین رسانه های صدا و سیمای مملکت خودمان را نگاه می کنیم و می شنویم، بیشتر ساعات اراجیف و انواع موسیقی پخش می شود، حتی آنهایی که به نام مذهبی است، حتی ایام عزای باز هم چنین است، اطلاعاتی هم که نسبت به حقایق دینی داده می شود، بسیار کم است عمیق و ریشه دار و اصیل نیست، و اگر باشد یک جانبه است و یک طرفه، یک گروه فکر خودشان را مطرح می کنند، کرسی آزاد در نشر حقایق اهل بیت بدون وابستگی به فکرایین استاد و آن استاد نیست، اگر بود کار به اینجا نمی کشید.

وظیفه آنهایی که دین باورند چیست؟ آنهایی که مدعی دین اند، اینکه وقت و پول را هزینه کنند، فقط برای سینه زنی فقط برای اقامه شعیره به نحو سینه زنی، گریه و ذکر مصیبت؟ کافی نیست، متأسفانه صحبت می شود در فلان هیئت فلان

۱- الأُمّالی شیخ طوسی: ص ۲۷۳ ح ۵۱۵ - ۵۳، بحار الأنوار ج ۲۷ ص ۲۲۱ ب ۱۰ ح ۷. رک: الصّراط المستقیم: ج ۳ ص ۵۸.

مجلس اگرهم خطیب و منبری دعوت کنیم که بخواهد بحث علمی دینی معارفی احکامی اخلاقی بکند، کسی نیست، اما ذاکر که بیاید... آن هم مایه تأسف است که بسیاری از ماها را بازی داده اند، مذهبی ها را با این سبک های عزاداری بیگانه، آلوده، مخرب، کپی و تقلیدی و تحریفی، فریب دادند سبک هایی که سبک است و قوی نیست، بار معرفتی ندارد. این همه هزینه می شود؛

آیا امروز صاحب دین امام زمان سلام الله علیه از این سبک ما و برنامه های ما راضی است؟ بخواهد نمره بدهد چقدر می دهد؟ اصلاً رفته ایم به دنبال اینکه امام زمان از ما چه می خواهد؟ توقع او چیست؟ آنها که داعی دین هستند آنها چطور؟ من که ملبّس به لباس اهل علم و حوزه شیعه هستم و دیگران چون من، وظیفه ما چیست؟ اینکه هر وقت یک جایی ما را دعوت کردند سخنرانی کنیم؟ هر وقت یک مطلب را دوست داشتیم بنویسیم؟ هر چه دوست داشتیم و به نظرمان خوب آمد بگوییم؟ هر جا دعوتمان کردند باید برویم؟ پیامبر همین طور بود؟ فرمودند پیامبر طیب دوره گرد بود....

ببینید کجا خلأ هست؟ کجا نیاز هست؟ امروز چه مطلبی باید نوشته شود؟ امروز با این رسانه ها چه باید کرد؟ دیگران چطور دارند سوء استفاده می کنند، چرا من استفاده صحیح نکنم؟ آیا امروز باز هم می توانیم بگوییم برای من واجب کفایی است که درس بخوانم و بنویسم و کار کنم یا واجب عینی است؟ آری واجب عینی است. من که دانشجو هستم و یا طلبه حوزه شیعه و... باید ظرفیت علمی را بالا ببریم، از خواب بزنیم، از خوراک بزنیم، از همه کارها بزنیم، چون اگر خوب گوش بدهیم صدای ناله حضرت زهرا از بین در و دیوار می آید، صدای فرزندش سیّد الشهداء از کربلا هنوز به گوش می رسد. و امروز از همه مظلوم تر، حضرت

صاحب الأمر عجل الله فرجه الشریف است.

اگر کسی به مادر شما توهین کند مثلاً خدای نکرده مادر شما تصادف کرده و از دنیا رفته باشد ولی بگویند نه ایشان خودش مریض بود، تصادف نکرده، خودش خود را زیر ماشین کرد، چه حالی پیدا می‌کنید؟ جایی که دوست و دشمن گفتند در را آتش زدند، لگد زدند، تازیانه زدند، با شمشیر در غلاف هم زدند، میخ در هم بود...

بعد از چند روز از شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها یک عده اصحاب به عمار گفتند به علی سلام الله علیه بگواین قدر به خودت لطمه نزن بیرون بیا. می‌گوید آمدم دیدم زانوی غم به بغل گرفته اند، گفتم آقا جان ناراحت نباشید. فرمودند: عمار به خدا قسم وقتی زهرا را غسل می‌دادم خون تازه از سینه مبارک او جاری بود و زهرا از من مخفی می‌کرد.

وقتی بگویند این بانوی بزرگوار با سرطان کبد از دنیا رفته شما چه حالی پیدا می‌کنید؟

خبر دادند خلخال از پای یک زن اهل ذمه کشیدند، مولا امیرالمؤمنین سلام الله علیه فرمود: اگر مؤمنی از این غم دق کند و بمیرد جا دارد. حال بعد از ۱۴۰۰ سال از شهادت این بزرگ بانو در شهر مقدس مشهد، مشهد رضوی، این حرف زده شود، حقایق شدیداً انکار شود و بیماری و سرطان کبد به حضرت نسبت بدهند، با این مصیبت چه باید کرد؟

تاریخ ثبت کرده که دومی گفت: به خدا قسم این خانه را با اهل خانه آتش می‌زنم گفتند: فی البیت فاطمة، در این خانه فاطمه است یک دختر بیشتر از این پیغمبر نمانده، فریاد زد: حتی اگر فاطمه باشد.

پیامبر فرمود: هرکس فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده رضای خدا در رضای

فاطمه است و خود پیروان اصحاب سقیفه نقل کرده اند که وقتی آن دو نفر به خدمت حضرت آمدند، حضرت فرمودند: سؤالی می‌پرسم راستش را می‌گویید؟ گفتند بله فرمودند: آیا نشنیدید پیامبر فرمود هرکس فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده؟ گفتند آری. فرمود خدایا تو شاهد باش اینان مرا اذیت کردند، به خدا قسم در همه نمازها شما را نفرین می‌کنم^۱، این صریح فرمایش حضرت است که به خود آنها فرمودند.

وظیفه دانشگاه نسبت به این شخص چیست؟ انصاف مطلب این نیست که فقط حکم تعلیق به ایشان بدهند. این مورد عادی نیست چون صدیقه طاهره یک شخص عادی نیست، چون اعتقاد به ایشان موضوعیت اساسی در دین ما دارد، این را خود مخالفین هم بسیار نقل کرده اند: رضای خدا در رضای فاطمه زهراست. هرچقدر هم مسئولین مربوط و غیرمربوط ساکت بنشینند، این ملت، هرگز توهین به حضرات معصومین خاصه صدیقه کبری آیه الله العظمی فاطمه زهرا سلام الله علیها را بی پاسخ نمی‌گذارد.

بنابر فرمایش امام جعفر صادق علیه السلام روز مصیبت حضرت زهرا سلام الله علیها «أصل يوم العذاب» بود، مصیبتی بسیار بزرگ بود و اساس مصیبت

۱- الشّافي في الإمامة: ج ۴ ص ۸۵، تلخیص الشّافي: ج ۳ ص ۱۵۲، الصّراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۹۳، مناقب أهل البيت: ص ۴۰۲، بحار الأنوار ج ۲۸ ص ۳۵۷ و ج ۲۹ ص ۳۲۸ ح ۱ و ص ۳۷۶، الغدير: ج ۷ ص ۲۲۹-۲۳۰، مأساة الزّهراء علیها السلام: ج ۱ ص ۲۵۵، الهجوم علی بیت فاطمة علیها السلام: ص ۱۳۹. السّقیفة وفدك: ص ۱۰۴، الإمامة والسیاسة: ج ۱ ص ۱۳، و چاپ دیگری: ج ۱ ص ۱۸-۱۹، أنساب الأشراف: ج ۱ ص ۷۹، الرّسائل السّیاسیة جاحظ: ص ۴۶۷، شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد: ج ۱۶ ص ۲۱۴ نامه ۴۵، أعلام النّساء: ج ۳ ص ۱۲۱۴.

کربلا آنجا گذاشته شد. روزی امام محمد جواد کنار امام رضا علیهما السلام بودند و به فکر عمیق رفتند آقا فرمودند: پسر من در چه فکری هستی؟ فرمودند: به فکر آن دو تن هستم، «أَمَّا وَاللَّهِ لَا أُخْرِجُهُمَا...» به خدا قسم از قبر بیرونشان می‌کشم و...^۱ ما که ناتوانیم و روی آن را نداریم که با حضرت زهرا سخن بگوییم، عرض می‌کنیم: یا صاحب الزمان عَظَّمَ اللَّهُ لَكَ الْأَجْرَ، مصیبت کشتن مادر شما مصیبت بسیار بزرگی بود، و ما اعتقادمان این است آنهایی که با زبان و قلم با مادر شما دشمنی کردند، جرمشان خیلی بزرگ ترو صدمه ای که زدند خیلی عمیق تراز مجریان آن جنایت بزرگ است و هیچ یک هرگز قابل جبران نیست، خدا به شما صبر بدهد یا صاحب الزمان.

جان عالمی به قربانت بی بی جان بین در و دیوار که راه به جایی نمی‌بردی، در و آتش و میخ در که فرمودی: آتش به صورتم می‌زد، همان صورتی که بوسه گاه پیامبر بود. سه ندا داد: یکی فریاد از عمق جان که پدرم یا رسول الله... دوم: پسر من مهدی... دیگری فضّه را صدا زد: فضّه مرا دریاب به خدا محسنم را کشتند...

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ
أَيَّ مَنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

۱ - رک. اثبات الوصیة: ص ۲۱۸ و دلائل الإمامة: ص ۴۰۰ ح ۳۵۸ / ۱۸ و نوادر المعجزات في مناقب الأئمة الهداة عليهم السلام: ص ۳۶۰ ح ۱۵۳ / ۱۰.

